



زنده باد مقابله!

کوروش تیموری فر

هنوز داشتیم خبر اول را تحلیل می کردیم، که خبر دوم رسید. خبر اول، ۲۷ آبان ۱۴۰۰: «به گزارش خبرگزاری‌ها به نقل از رادیو و تلویزیون دولتی ژاپن (NHK)، هاگیودا کوچی وزیر تجارت ژاپن، کاترین تای نماینده تجاری آمریکا و والدیس دامبروسکیس معاون اجرایی کمیسیون اروپا در نظر دارند در خصوص اقدامات اقتصادی چین با همدیگر دیدار و گفت‌وگو کنند. این دیدار در حاشیه کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در سوئیس انجام خواهد شد.

این مذاکرات - که بر اساس پیشنهاد دولت سابق آمریکا به اتحادیه اروپا و ژاپن انجام می‌شود - با هدف ایجاد قوانین بین‌المللی جدید برای محدود کردن رفتار مخرب شرکت‌های دولتی، مقابله با شیوه‌های مضر یارانه‌ها، جلوگیری از انتقال اجباری فناوری و سرقت مالکیت معنوی پیگیری می‌شود.

این طرح به دنبال مهار کمک‌های دولتی عظیم چین به صنایع راهبردی داخلی - مانند فولاد و آلومینیوم - از طریق مزایا و کمک‌های مالی دولتی، یارانه‌های انرژی، وام‌های ترجیحی، نهاده‌های ارزان قیمت و هزینه‌های ارزان استفاده از زمین است ... مقامات واشنگتن تخمین می‌زنند که دولت چین بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار کمک دولتی به بخش‌های صنعتی کلیدی ارائه کرده است...».

راژگشایی از این خبر، چندان دشوار نیست: رفتار مخرب شرکت‌های دولتی چین، یعنی سبقت بخش دولتی چین نسبت به بخش خصوصی. این، قابل بخشش نیست. دهه‌هاست که نولیبرال‌ها بر طبل «بی‌عرضگی» بخش دولتی، رفتار ناکارآمد و فساد بخش دولتی، هدر دادن اموال ملی، کند کردن سرعت پیشرفت، و هر نسبت ضد توسعه‌ای به آن بخش، می‌کوبند. البته که برباد دادن این افسانه، مخرب است. شیوه‌های مضر یارانه‌ها مختص چین است.

تاریخ رشد سرمایه داری، مشحون از اقدامات تعرفه‌ای برای نابودی صنایع کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره یا رقیب بوده است.

شیوه مفید یارانه، افزایش تعرفه‌های ۲۵ درصدی به فولاد و آلومینیوم صادراتی چین به آمریکا توسط دولت ترامپ و حمایت از صنایع داخلی آمریکا. چین نباید در مقابل این رفتار ضد توسعه‌ای (به‌زعم ادبیات سرمایه‌داری)، از

صنایع خود حمایت کند. تاریخ رشد سرمایه‌داری، مشحون از اقدامات تعرفه‌ای برای نابودی صنایع کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره یا رقیب بوده است. اقدام متقابل کشورهای رشد یابنده - به‌ویژه با سمت‌گیری سوسیالیستی - مخرب است.

چین نباید برای سرمایه‌گذاران غربی، شرط انتقال اجباری فناوری را قائل شود. دستاوردهای بشری در زمینه صنایع پیشرفته، مختص کشورهای امپریالیستی است. ملل دیگر حق ندارند در مقابل ارائه خدمات زیرساختی خود برای فناوری‌ها، و فراهم آوردن امکان رشد برای صنایع تولیدی غرب (که دیگر در کشورهای خود مورد استقبال نیستند، چرا که سرمایه مالی، آنها را به زائده خود بدل کرده است) تقاضا کنند که فناوری‌های به‌کار رفته، در اختیار کشور میزبان قرار گیرد. مالکیت معنوی، اسم رمز محروم کردن تمام مردم جهان، از بهره بردن از دستاوردهای تکنولوژیکی است که امکان رشد اقتصادی آنان، و رها شدن از قیود امپریالیستی را فراهم می‌کند. فقط انحصارات امپریالیستی حق دارند از مالکیت معنوی بهره‌مند شوند. این مهم نیست که فناوری قطب نما، باروت، کاغذ، و ده‌ها نوآوری چینی، در دوران رشد سرمایه داری، از چین به غرب رفته باشد. این‌که سرقت فناوری نیست. مهم آنست که فناوری، از غرب به چین روانه نشود. انتقال فناوری غربی، فقط به کشورهای مجاز است که تضمین داده‌اند از آنها علیه سوسیالیسم استفاده کنند؛ مثلاً فناوری ساخت زیردریایی اتمی به استرالیا برای مقابله با چین، یا فناوری‌های صنایع الکترونیک به ژاپن، برای مقابله با شوروی در قرن گذشته.

چین نباید به صنایع کلیدی خود کمک کند. فقط آمریکا مجاز است ۸/۵ تریلیون دلار به وال استریت و بانک‌ها و مؤسسات مالی و رشکسته خود (که دنیا را به بحران کشیدند) کمک کند. کمک ۵۰۰ میلیارد دلاری چین به صنایع خود، مذموم است چون باعث افزایش بهره‌وری شده و رشد اقتصادی مداوم و بالای خود را حفظ می‌کند. غرب آرزومند ورشکستگی چین است،

انتقال فناوری غربی، فقط به کشورهای مجاز است که تضمین داده‌اند از آنها علیه سوسیالیسم استفاده کنند.

پس این‌گونه اقدامات چین، «خصمانه» است.

خبر دوم، برنامه رادیویی بی‌بی‌سی، صبح روز یازدهم آذر:

«اتحادیه اروپا برای مقابله با نفوذ چین، ۳۰۰ میلیارد دلار هزینه خواهد کرد. این بودجه قرار است در شش سال آینده، صرف سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، پروژه‌های دیجیتال، و مقابله با تغییرات اقلیمی در سراسر جهان شود. رئیس کمیسیون اروپا گفته که طرح موسوم به «دروازه جهانی» جایگزین حقیقی برای طرح «جاده و کمربند» چین است و مدل متفاوتی برای توسعه ارائه می‌کند. چین برای پیشبرد طرح خود، در بیش از ۷۰ کشور جهان، میلیاردها دلار هزینه کرده است».

در طول تاریخ معاصر، این ملت‌های ستم‌دیده بودند که علیه امپریالیسم صف می‌بستند. چرا که امپریالیسم، با سلاح‌های پیشرفته خود - انحصارها، سرمایه‌های مالی و بانک‌ها، تسلیحات پیشرفته نظامی و ارتش‌های مقتدر، فناوری‌های منحصر به خود، و البته فریب‌غارت سرزمین‌ها را در دستور کار خود داشت. جنگ‌ها و کشته‌های فراوان - حداقل ۱۵۰ میلیون کشته در قرن بیستم - محصول تسلط امپریالیسم و دعوا بر سر بازتقسیم جهان بین قدرت‌ها و مبارزات مردم برای رهایی از شر آنان بوده است. کشورهای ستم‌دیده، همواره به دنبال تشکیل اتحادها برای مقابله با امپریالیسم، و رهایی خود بوده‌اند. اکنون طنز تاریخ را بنگرید: غارت‌گران و جنایت‌کاران سابق (آمریکا و ژاپن و بریتانیا و امپریالیست‌های «قاره» اروپا) به دنبال تشکیل اتحادیه‌های خودند تا در مقابل «امپریالیسم چین» مقاومت کنند. عجب دنیای وارونه‌ای! مردمان جهان به دنبال تأمین اسلحه بودند تا آن غارت‌گران را از خانه خویش بیرون رانند. امروز، غارت‌گران به دنبال طرح‌های توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد فضای سبز، توسعه صنعت هوش مصنوعی، و خلاصه دورنمای فریبنده برای ملل تا دیروز تحت سلطه خود هستند تا «امپریالیسم» جدید را از خانه خود بیرون رانند.

پس زنده‌باد مقابله‌ای که نتیجه آن، صلح و توسعه برای مردم است؛ چه مردمان کشورهای «جهان سوم» و چه مردمان اروپا. اگر تا دیروز، رهبران جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و دموکرات، از میان ملل تحت ستم برمی‌خاستند، اینک رهبران جدید ضد «امپریالیسم چین»، از کاخ سفید و کاخ باکینگ‌هام برمی‌خیزند.

اگر تا دیروز، رهبران جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و دموکرات، از میان ملل تحت ستم برمی‌خاستند، اینک رهبران جدید ضد «امپریالیسم چین»، از کاخ سفید و کاخ باکینگ‌هام برمی‌خیزند.